



گزیده‌ای از:

سخنان امام حسین «ع»

۱

محمد حکیمی

حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۱۰ هجری.
گزیده‌ای از سخنان امام حسین (ع) / گردآورنده [محمد حکیمی]. — مشهد: بنیاد
پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۸.

چ. ص.
(شابک ج ۱) ISBN 978-964-971-351-9

ISBN set 978-964-971-352-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۱۰ هجری. — احادیث. الف. حکیمی، محمد، ۱۳۱۸.
گردآورنده. ب. بنیاد پژوهشهای اسلامی. ج. عنوان.
۱۳۸۸ ۴۴ ج ۴۱/۷/ HP
کتابخانه ملی ایران
۲۹۷/۹۵۳
۱۹۲۹۳۲۵



گزیده‌ای از سخنان امام حسین (ع) ۱/

محمد حکیمی

چاپ اول: ۱۳۸۸ / ۳۰۰۰ نسخه، رقمی / قیمت ۱۶۰۰۰ ریال
چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۶۶

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۳۳۰۸۰۳
فروشگاه‌های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۳۳۳۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹
شرکت به‌نشر، دفتر مرکزی (مشهد) تلفن ۷-۸۵۱۱۱۳۶، دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

www.islamic-rf.ir

E-mail: info @islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۱۳. غنیمت شمردن فرصتها ۵۹	۷. پیشگفتار ۷
۱۴. احساس هنری زنان ۶۲	۸. انقلاب خونین عاشورا ۸
۱۵. همراه با بینوایان ۶۵	۱. نیایش ۱۹
۱۶. امر به معروف و نهی از منکر ۶۸	۲. پرستش آزادگان ۲۳
۱۷. کرامت انسانی نیازمندان ۷۳	۳. کتاب آسمانی قرآن ۲۶
۱۸. ولایت و رسالت عالمان ۷۶	۴. اخلاق الهی پیامبر «ص» ۲۹
۱۹. آینده‌نگری ۷۹	۵. اندیشیدن ۳۳
۲۰. ویژه‌سازی اموال عمومی ۸۳	۶. مهریه حضرت فاطمه «ع» ۳۶
۲۱. شناخت جایگاه هر کار و هر ۸۳	۷. ارزیابی و شناخت خود ۴۰
سخن ۸۷	۸. دین‌یاوری عقلانی ۴۴
۲۲. کوشش برای برآوردن نیازها ... ۹۱	۹. انتقاد و انتقادپذیری ۴۷
۲۳. خطبه امام «ع» هنگام رهسپاری به ۵۰	۱۰. شناخت تجربی ۵۰
عراق ۹۵	۱۱. مسئولیت دانایان ۵۳
۲۴. رفتار انسانی با همه انسانها. ۹۹	۱۲. نقش حکومتها ۵۶

۴ / گزیده‌ای از سخنان امام حسین «ع» - ۱

۲۵. ریشه‌سوزی یأس و نومیدی .. ۱۰۲	۳۳. پاداش خدایی ۱۳۳
۲۶. شادکردن مردم ۱۰۶	۳۴. ره‌آوردهای شوم سرمایه‌داری ۱۳۷
۲۷. حدیث «ثقلین» ۱۰۹	۳۵. بخشش از مال حلال ۱۴۱
۲۸. ارزش روابط اجتماعی ۱۱۴	۳۶. خطبه امام «ع» در مسیر کربلا .. ۱۴۴
۲۹. مرگ، پلی به زندگی جاوید ... ۱۱۷	۳۷. نجات انسان ۱۴۷
۳۰. مبارزه با ناهنجاریهای فردی و	۳۸. سلام اسلامی ۱۵۱
اجتماعی ۱۲۱	۳۹. مسئولیتهای خانوادگی ۱۵۵
۳۱. راه آزادگان ۱۲۵	۴۰. امام حسین «ع» و امام
۳۲. پرهیزگارترین مردم ۱۲۸	مهدی «ع» ۱۵۸

پیشگفتار

واژه‌ها در تبیین عظمت امام بزرگ انسان حضرت حسین «ع» و تفسیر شخصیت بیکرانه او ناتوان است، و تعبیرها هر چه گویا و ژرف در این باره ناگویاست، و عقلها هر چه ژرف‌اندیش و دریاسان سرگردان. شعر نیز که بر تخیل و بلندپروازیهای شاعرانه استوار است، و از گستره دریاسانی برخوردار است، والایی و بیکرانگی شخصیت امام حسین «ع» را نمی‌تواند به تصویر کشد، و اندکی از آن همه بزرگیها را ترسیم کند.

چه نیکو دریافته است شاعر بزرگ عرب «ابوالعلاء معری» که برای تفسیر مقام و منزلت حسینی «ع» به دنبال واژه‌ها نگشته، بلکه در جهان پهناور کیهانها و کهکشانها نشانه‌ای یافته است که اندکی بیکرانگی شخصیت امام بزرگ را هر سپیده و شامگاه به نمایش می‌گذارد:

«بر صفحه روزگار از خون دو شهید، علی و فرزندش همواره دو گواه پایدار است:

این دو گواه خونین، در پایان هر شب، به شکل فجر (سرخی

سپیده‌دمان)، و در آخر هر شب، به شکل شفق (سرخ‌ی شامگاهان)، نمودار می‌گردند.

- و همین‌گونه پایدارند تا روز رستاخیز که بیایند و در نزد خدای رحمان تظلم کنند و داوری خواهند^۱.

انقلاب خونین عاشورا

مردم ما امام بزرگ حضرت حسین «ع» را با عاشورا می‌شناسند؛ زیرا که او در عاشورا حماسه‌ای پدید آورد که در طول تاریخ انسان نسخه دومی ندارد، و در آینده‌ها نیز چنین حادثه خونباری با این عظمتها و اوج‌گرایها پدید نخواهد آمد.

ظلمها، بیدادها، خونریزها، اسارتها و سنگدلیهای فراوانی در کمره خاکی روی داده است و در برابر بیدادگران و خون‌آشامان تاریخ، انسانهای پاک‌باخته‌ای نیز به پا خاسته‌اند، و فداکاریهای جانانه‌ای از خود نشان داده‌اند، که براستی شگفت‌آور است، لیکن هیچ‌کدام و در هیچ سرزمینی در مجموع چنین حادثه‌ای و با این ویژگیها رخ نداده است.

امام بزرگ از آغازی که گام در این مسیر نهاد، و حج را رها کرد، و آهنگ سرزمین کربلا نمود، از رویدادی که برای او و یاران و خاندان و زنان و کودکانش پیش می‌آید آگاهی داشت، و از گامهای نخستین صحنه‌های این تراژدی بزرگ را چنان مدیریت کرد، که بی‌مانند و بی‌نظیر باشد، و شور و خروش لازم را پدید آورد، و انقلابی را در اندازد،

که ارکان کاخهای بیدادگران به لرزه درآید، و سرانجام واژگون گردد. امام برای ساختن این حماسه بزرگ، از آغاز این قیام همواره از مرگ و شهادت سخن گفت، و یاران و خاندانش را برای استقبال از مرگ و فداکاریهای بزرگ آماده کرد. در منزل به منزل، این موضوع را بر زبان آورد، که این سفری است به سوی خدا و شهادت، و پذیرش فشارهای هستی‌سوز و ... نه به مقامی رسیدن و به حکومتی دست یافتن. و این یکی از ویژگیهای بزرگ و بی‌مانند انقلاب عاشورا است.

شب عاشورا نیز شبی است که در میان آن همه شبها و روزها که بسر انسانها گذشته است، همانند و همتایی ندارد. شبی که امام در آغاز، آنان را که جز شهادت و فداکاری هدفی در سر می‌پروراندند، تصفیه کرد، و در خطبه‌ای که شب عاشورا خواند چنین گفت: «شما آزادید، من پیمان خود را از شما برداشتم، و این شب (و تاریکی آن) شما را فرا گرفته است، از آن چون شتری بهره‌گیرید، و از این بیابان دور و پراکنده شوید...»^۱ و بدین‌گونه یاران صمیمی و پاک‌باخته خود را برای فداکاریهای بزرگ آماده ساخت، و بدانان گفت: «این آخرین شب زندگی ماست»، و با این پیام، عظمت حادثه را آشکار کرد تا آنان که ماندگارانند برای فردا آماده باشند.

این شب با چنین تصویری آشکار برای یاران و خاندان امام و زنان و کودکان همراه، چگونه شبی است؟! بر آنان که واپسین شب زندگی آنان است، و فردا همه کشته می‌شوند، و برای آنان که باقی می‌مانند، و در پنجه

خونین دژخیمان اسیر می‌گردند؟ براستی سنگینی هستی سوز آن و آنچه بر دلها و اندیشه‌ها گذشته است، فراتر از درک و دریافتهای آدمی است. روز عاشورا نیز روزی است بی‌مانند، و خورشید بر چنین روزی و چنین قتلگاهی از آغاز خلقت تا پایان آن نتابیده، و نظاره‌گر چنین صحنه‌هایی نبوده است. آن چهره‌ها که در میدان جانبازی بر یکدیگر پیشدستی می‌کردند، و آن چشمها که از درون خیمه‌ها نظاره‌گر این صحنه‌ها بودند، و هر بار پیکری از یاران و عزیزانشان را غرق در خون و بر خاک افتاده می‌نگریستند، و قهرمان بزرگ عاشورا را می‌دیدند، که بر بالین این پاکباختگان می‌آید، و واپسین لحظات زندگی و پرواز روح آنان را می‌نگرد. لحظه به لحظه این صحنه‌ها تابلوهایی از عظمت و جاودانگی انسانهایی پاکباخته است، که سر در راه معشوق نهادند، و از هر چیز جز او دل گسستند.

براستی دیدن هر یک از این جانبازها از توان نیرومندترین انسانها بیرون است، و هر قدر تمندی را به زانو درمی‌آورد. امام بزرگ با استواری و صبری به عظمت جهان هستی، این صحنه‌ها را می‌نگرد، و این ماتمها را به جان می‌خرد.

آخرین لحظات این تراژدی بی‌مانند، لحظه وداع امام با خاندان و بازماندگان است. زنان و کودکانی که از لحظات نخستین این روز، همواره بر خاک و خون غلتیدن کسان و یاران خود را به چشم نگریستند، و اکنون تنها پناه و پشتیبان خود را می‌نگرند که با آنان وداع می‌کند، و سر در راهی بی‌بازگشت می‌گذارد، و برای همیشه از آنان دور می‌شود؛ این

چه صحنه‌ای است، و سنگینی آن را چگونه می‌توان تصور کرد؟ و این از لحظه‌های بی‌مانند عاشورا در تاریخ انسان است.

لحظه بازگشت ذوالجناح به خیمه‌ها نیز سنگین‌ترین حادثه در عاشورا است، و با واژه‌ها نمی‌توان سایه روشنی از آن ماتم هستی‌سوز را ترسیم کرد، لحظاتی که امام مهدی «ع» در زیارت ناحیه مقدسه از آن یاد می‌کند:

«... چون زنان اهل بیت ذوالجناح را نگر یستند، که با شرمگینی و زین واژگون بازگشته است، از خیمه‌ها بیرون آمدند، با گیسوانی پریشان، و بر سر و صورت زنان و فریادکنان...»^۱.

پاکباختگان و یاران امام در عاشورا نیز هر کدام از ویژگی‌هایی بی‌نظیر برخوردار بودند، و هر یک به گونه‌ای بر تریها و باورهای استوار و اراده‌های خلل‌ناپذیر خویش را به نمایش گذاشتند. در این جهاد مقدس، سالخوردگان، جوانان، نوجوانان، صحابه پیامبر^۲ و یاران امام علی «ع» و فرزندان و برادران و برادرزادگان و خواهرزادگان امام حضور داشتند.

«... یاران امام حسین با ارواحی سبکبال که از اسرار مرگ و اعماق هستی و فرجام کار شهیدان آگاه شده بودند، و در راه شهادت و دفاع از مقدسات اسلام بر هم سبقت می‌جستند... تا سرانجام با گذشتن این روز

۱- الصّحیفة المهدیة / ۲۱۴، ابراهیم بن محسن الکاشانی.

۲- از اصحاب پیامبر همراه امام پنج تن به شهادت رسیدند. ترجمه بصیر العین... / ۲۰۵.

عجیب، با پیکرهای خونین در این دشت خوابیدند...»^۱.

اعجاب برانگیزتر در حادثه خونین عاشورا حضور غلامان و بردگان است که در کنار مولای خود به نبرد دست زدند، و حق شناخته و دین باور، هستی خویش بر سر عقیده و ایمان نهادند، و به استقبال مرگ و شهادت رفتند.^۲

براستی میدان جهاد در عاشورا نمایش راستین مساوات انسانی گردید، و امام بزرگ با این بردگان بدان سان رفتار کرد که با عزیزترین فرزندان و کسان خود.

«واضح غلام ترکی، دلیر و قاری قرآن بود، و با جُنَادَة بن حَرث به سوی حسین «ع» آمد... واضح ترکی در ساعات آخر عمرش استغاثه کرد، و حضرت حسین «ع» با شتاب خویش را به او رساند، و او را به بغل گرفت، در حالی که زندگی را بدرود می گفت و می گفت: من کجا و فرزند رسول خدا کجا؟ که چهره اش را بر چهره من بگذارد. در این لحظه مرغ روحش به فردوس پرین پرواز کرد...»^۳.

امام حسین «ع» در خطبه شب عاشورا یاران خود را برترین و باوفاترین یاران در طول تاریخ می شمرد:

«... من اصحابی باوفا تر و برتر از یاران خود، و نه خاندانی مهربان تر و

۱- سرود جهشها / ۱۷۸، علامه محمد رضا حکیمی.

۲- در کربلا یانزده نفر از بردگان به همراه امام «ع» به شهادت رسیدند. ترجمه ابصار العین... / ۲۰۵.

۳- ترجمه ابصار العین... / ۱۵۶.

صمیمی‌تر از اهل بیت و خانواده‌ام نمی‌شناسم...»^۱

سخن امام از هر گونه گزافه و زیاده‌گویی به‌دور است. و عین حقیقت را بر زبان می‌آورد، و همراهان خود را چنین می‌ستاید. این ستایش امام روشنگر حقیقتی ژرف است که در میان آن‌همه حواریان و انصار و یاران پیامبران و پیامبر اسلام «ص» و امام علی «ع» کسی به پایگاه و جایگاه یاران امام حسین «ع» نرسیده است.

پس از حماسه‌های بزرگ و توصیف‌ناپذیر روز عاشورا، رویدادهای بعد از آن، و پیام شهیدان را به مردمان رساندن، برآستی اعجاب‌انگیز و بی‌نظیر است. صحنه‌های پیام‌رسانی، و بازگویی آرمان شهیدان، و پرده‌های تبلیغات سوء دربار اموی را پس زدن، و ماهیت حکومت جباران را آشکار ساختن بسیار شگفت‌آور و اعجاز‌آمیز است.

قهرمان پیام‌آور شهیدان، حضرت زینب «ع» و امام سجاد «ع» هستند، که با استواری و نستوهی، آرمانهای الهی شهیدان را به گوشه‌ها رساندند. و جامعه در خواب رفته را بیدار کردند. و تابلوهایی از عظمت و شکوه و نستوهی آفریدند، و روشنگری و حقیقت‌گویی در برابر جباران زمان را به نمایش گذاشتند، و در توده‌های مردم، انقلابی دگرگون‌ساز و بیدارگر پدید آوردند، و بافته‌های دروغین حاکمان اموی را آشکار ساختند، و حقانیت شهیدان را به اثبات رساندند، و پرچم دادخواهی شهیدان را بر چکاد تاریخ برافراشتند. در پی این روشنگریها و حق‌گوییها بود که جامعه به یک باره دگرگون گشت. و زبان به لعن و نفرین غاصبان

حکومت گشود، و لرزه بر اندام کاخ‌نشینان افکند. صفحات تاریخ حوادث پس از عاشورا شاهد گویای این نقش‌آفرینی‌هاست.

هنگامی که در مجلس ابن زیاد اسیران از جمله حضرت زینب «ع» را آوردند، ابن زیاد حاکم پلید اموی به حضرت گفت: رفتار خدا با خاندانت را چگونه دیدی؟

حضرت زینب «ع» فرمود: «ما رأيتُ إِلَّا جَمِلاً...^۱؛ من جز زیبایی و خوبی چیزی ندیدم...».

این بانوی قهرمان در دربار یزید نیز خطبه‌ای کوبنده و شورانگیز و افشاگر ایراد کرد، و اهداف اهریمنی امویان را برملا ساخت، و ارکان حکومت آنان را به لرزه افکند.

فرازهایی از این خطبه جاودانه:

«... ای یزید! آیا خیال کرده‌ای، اینکه روزگار را بر ما تنگ کردی و جهان را تیره ساختی، و ما را مانند اسیران در شهرها گرداندی، به این معنا است که ما نزد خداوند منزلتی نداریم، و تو نزد خدا مُکَرَّمی؟... سر جای خود بنشین و باز هم بنشین که هرگز چنین نیستی؛ به خدا سوگند تو فقط پوست خود را کندی، و کالبد خویش را دریدی (خودت را خوار و خرد و رسوا کردی)».

اگر اکنون این حوادث تلخ مرا مجبور ساخته است که با چون تویی همسخن شوم، این را بدان که من قدرت تو را بسیار ناچیز می‌دانم، و تو را از آن پست‌تر می‌شمارم که نکوهشت کنم، و قابل آن نمی‌دانم که

زبان به سرزنشت گشایم.

اگر می‌پنداری که از شهادت و اسارت آل محمد سود برده‌ای، بزودی خواهی دید که زبان کرده‌ای؛ یعنی هنگامی که نتیجه کارت را ببینی... و اکنون را، هر ترفندی داری به کار گیر، و هر کوششی از تو ساخته است بکن، و هر نیرویی می‌توانی برانگیز... لیکن به خدا سوگند! که هرگز نخواهی توانست خاندان وحی را نابود سازی، و قرآن را از صحنه روزگار براندازی... و این ننگ (کشتن فرزندان پیامبر و اسیر کردن خاندان او، و شکست اهداف ضددینی و ضد قرآنی تو)، هیچ‌گاه از تاریخ زندگی تو پاک نخواهد گشت... و اینک بنگر که آیا این تصمیم تو چیزی جز سفاقت بود؟ و روزگار قدرت تو جز همین چند روز است؟ و نیروهای تو جز رو به نابودی است؟^۱

باری انقلاب خونین عاشورا و حماسه‌سازیه‌ها و پاک‌باختگیهای بزرگ آن درس آموز همه آزادگان و ستم‌دیدگان شد، و مکتب عاشورا بنیانگذار همه شورشها علیه بیداد گردید، و چنانکه اسلام را از چنگال اهریمنی امویان دین ستیز رهایی بخشید، و دین حق را جاودانه ساخت، حاکمان ستمگر را نیز به زباله‌دان تاریخ در افکند، و اصول آزادگی و جانبازی را به بشریت آموخت، و انسانهای پاک‌باخته را برانگیخت که راه عاشورائیان را در پیش گیرند، و مرگ شرافتمندانه را بر زندگی ننگین و زیر سلطه حاکمان ستمگر ترجیح دهند، بویژه علویان این راه را شیوه خویش ساختند، و همواره فریادگر زمان و زمانه گشتند در برابر هر ظلم

و بیدادی.

«... در یک دوره طولانی ۲۵۰ ساله، نسل اندر نسلشان (خاندان پیامبر «ص»)، در مبارزه و شهادت و رنج و اسارت و زندان و شکنجه و تبعید و محرومیت به سر بردند، و پس از واقعه بزرگ کربلا، واقعه شهادت علی بن محمد (فرزند امام باقر «ع») و یارانش در «مشهد ارده‌ال» و شهادت زید بن علی بن الحسین «ع» و یارانش در «کوفه» و شهادت حسین بن علی حسنی و یارانش در «فتح»، (نزدیک مکه)، و سپس واقعه‌ها و شهادتهای دیگر، و زندانها و شکنجه‌های دیگر که پیش آمد... اینها همه برای این بود که دین خدا باقی بماند، و مشعل جاوید هدایت فرو نیفتد، و به دست آیندگان برسد...»^۱

«... در هر حال شهادت امام حسین «ع» از قوی ترین عواملی بود که پایه‌های دولت اموی را در شرق ویران ساخت. چون امام حسین نزد مردم محبوب بود و ملامح رسول خدا را در چهره‌اش می دیدند، و یکی از ارکان ایمان بود. لذا وقتی کشته شد مردم خبر قتل او را دهان به دهان می‌رساندند و...»^۲

«هنگامی که امام سجاد «ع» پس از فاجعه کربلا، با خاندان امام حسین «ع» به مدینه بازگشتند، و در آن اندوه بزرگ غرق بودند، روزی یکی از بنی امیه (ابراهیم بن طلحه بن عبیدالله)، از روی سرزنش به آن حضرت گفت: «مَنْ الْغَالِب»؛ یعنی پدرت رفت به کربلا و جنگ کرد و

۱- همان / ۵۱.

۲- نقش و عاظ در اسلام / ۲۶۸.

کشته شد، اکنون چه کسی غالب و پیروز گشت...؟

امام سجاد «ع» فرمود: «إِذَا دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَأَذِّنْ وَأَقِمِّ، تَعْرِفَ الْغَالِبَ؛ هنگامی که وقت نماز رسید، اذان و اقامه بگو، خواهی فهمید چه کسی غالب و پیروز است».

این پاسخ به فرد سرشناسی از خاندان اموی، بخوبی و روشنی می گوید که شما بنی امیه می خواستید اذان نماند، نماز نماند... حال دیدید که اذان ماند و نماز ماند....

پس کربلا پیروز است نه دمشق، و حسین پیروز است نه یزید...^۱
اکنون با این پیشگفتار که برای سخنان امام بزرگ حضرت حسین «ع» نگاشته شد، دو یادآوری شایسته است:

۱. مردم جامعه ما لازم است که به هدفهای انقلاب عاشورا بیندیشند، و پیام آن را درست بشناسند، و با آن تنها عاطفی و احساسی برخورد نکنند.

شناخت امام و آرمانهای عاشورا با ژرفنگری در احادیث و سخنان امام به دست می آید، بویژه خطبه ها و سخنان امام آنگاه که حج را رها کرد، و عازم کربلا شد. حتی دعای عرفه امام حسین «ع» و ابعاد گسترده معرفتی و خداشناسی آن نباید از این بررسی و ژرفنگری دور باشد؛ زیرا که این دعا، باورهای اصلی شهادت طلبی، و گسستن از همه و پیوستن به معبود را در دلها جایگزین می سازد.

۲. اهل منبر و ذاکرین و مرثیه خوانان، در هر جلسه و اجتماعی که

برای آن امام بزرگ تشکیل می‌شود، مردم را با حکمت‌های حسینی آشنا کنند، و خطبه‌ها و احادیث آن امام را به مناسبت‌ها به گوش مردم برسانند، و جامعه را با آموزش‌های الهی امام خویگر سازند، تا احساس برانگیزی‌ها به عقلانیت و شناخت فرهنگ حسینی بینجامد، و جامعه به عشقی خردبنیاد رهنمون شود؛ زیرا که عشق ماندگار از شناخت اصولی و درست پدید می‌آید.

اکنون برای همین هدف، گزیده‌ای از سخنان امام حسین «ع» گردآوری گردید، و در دسترس دوستداران قرار گرفت؛ باشد که در این زمانه ناهنجار، آرمان‌های مکتب انسانی امام آشکار شود، و انسان‌ها بویژه جامعه ما رفتاری حسینی در پیش گیرند، و در اندیشه برداشتن بار سنگین زندگی از دوش توده‌های محروم باشند، و در برابر این همه فشار - بویژه توژم طاقت‌فرسا - چاره‌ای بیندیشند، و گرفتار وسوسه‌های دشمنان نگردند.

مشهد الرضا «ع» - محمد حکیمی

۸۸/۹/۲